



نیایش یک کشف انسانی نیست/ نیایش راهی برای وحدت ادیان

مترجم کتاب «نیایش» نوشته فریدریش هایلر با اشاره به اعتقاد هایلر مبنی بر واحد بودن ذات نیایش در همه تاکید می‌کند ...

مترجم کتاب «نیایش» نوشته فریدریش هایلر با اشاره به اعتقاد هایلر مبنی بر واحد بودن ذات نیایش در همه تاکید می‌کند که او نیایش را نه کشف و دستاورد انسان، بلکه کار خدا در انسان می‌داند. شهاب‌الدین عباسی مترجم کتاب «نیایش» در گفت‌وگو با خبرنگار مهر درباره اهمیت موضوع نیایش نزد هایلر گفت: فریدریش هایلر (1892-1967) الهیات‌دان و دین‌پژوه بزرگ آلمانی، کتاب نیایش را با عنوان توضیحی «پژوهشی در تاریخ و روان‌شناسی دین» نخستین بار در اواخر دهه بیست میلادی منتشر کرد. هایلر که در دانشگاه مونیخ الهیات، فلسفه، زبان‌های آسیایی و روان‌شناسی خوانده بود با این اثر دکترا گرفت. اما چرا نیایش؟ هایلر با دانش گسترده‌اش در تاریخ و تجربه‌های دینی بشر و دلبستگی شخصی‌ای که به شعائر دینی مخصوصاً وجوه درونی آن داشت، در مورد دعا و نیایش به دو واقعیت مهم پی برد؛ نخست اینکه نیایش امری فراگیر و جهانی در طول تاریخ است و دیگر این‌که نیایش بیانگر درونی‌ترین و ژرف‌ترین حرکت‌های روح انسان و ارتباط او با خداست.

هایلر نیایش را قلب دین می‌داند

وی با اشاره به تعلق خاطر هایلر به نیایش توضیح داد: او در پیشگفتار چاپ اول متن آلمانی کتابش می‌گوید در گستره پهنای دین، هیچ پدیده‌ای شگرف‌تر و حیرت‌انگیزتر از دعا و نیایش نیست و در جای دیگری صریحاً نیایش را قلب و مرکز همه دین می‌نامد. در نیایش است که کیفیت خاص زندگی دینی را درک می‌کنیم. هایلر کتاب را به تصریح خودش در مقدمه‌ای که بر ترجمه انگلیسی آن نوشته، چند ماه پیش از پایان جنگ جهانی منتشر کرد. بعید به نظر می‌رسد شرایط بحرانی آن سال‌ها، در روی آوردن او به اخلاق و جنبه‌های درونی که نیایش جلوه درخشانی از آنهاست تأثیر نگذاشته باشد. او علاقه خاصی به «فرانچسکو آسیری» داشت، قدیمی که دعای مشهوری با مطلع «صلح» دارد. این دعا در سال 1945 از تریبون سازمان ملل خوانده شد و شهرت جهانی پیدا کرد. می‌خواهم بگویم هایلر علاوه بر این‌که نیایش را زمینه‌ای مهم و اساسی برای پژوهش در ژرفای ادیان می‌دانست، ایمان داشت که نیایش زمین حاصل‌خیزی هم برای بارور ساختن نهال‌های انس و همدلی میان انسان‌ها و شناخت بیشتر آن‌ها از یکدیگر است.

ذات نیایش در همه ادیان واحد است

عباسی به ذات واحد نیایش در ادیان مختلف اشاره کرد و گفت: این الهیات‌دان در کتابش می‌کوشد همه جنبه‌های مهم و اساسی نیایش را بررسی کند. در این راستا فقط به مسیحیت بسنده نمی‌کند و جایگاه و معنی‌های آن را در نزد بسیاری اقوام و ملل و دین‌ها و فرقه‌های مختلف مورد توجه قرار می‌دهد. در میان این همه گوناگونی و تنوع فرهنگ‌ها و زبان‌ها و سبک‌های مختلف زندگی، به وجود پدیده‌ای مشترک پی می‌برد، به طرحی واحد و در عین حال بسیارچهره، متناظر با خود خدا که واحد است و در عین حال تجلیات بیکران دارد.

وی تاکید کرد: هایلر در مقاله بسیار مهمی که هفت مؤلفه اساسی دین را شرح و توضیح می‌دهد و من خلاصه و لبّ آن را در ابتدای نیایش آورده‌ام این سخن را نقل می‌کند که «آیا یک خدا ما را نیافریده است؟» و این خدای واحد است که بشر را در دعا و نیایش به یکدیگر نزدیک می‌کند و به سوی خود فرامی‌برد.

نیایش امری اکتسابی نیست

عباسی در پاسخ به این سوال که هایلر نیایش را امری اکتسابی می‌داند یا ذاتی گفت: به دید هایلر نیایش «آرزو و اشتیاقی بزرگ به زندگی است، زندگی‌ای قوی‌تر، مؤثرتر، ناب‌تر و متبرک‌تر.» او می‌گوید که هر دعا و نیایش، روی آوردن انسان به وجود دیگری است که آدمی از لحاظ درونی قلب خود را بر او می‌گشاید. دعا سخن یک «من» با یک «تو» است. این «تو» این دیگری‌ای که شخص باایمان با او ارتباط پیدا می‌کند و به هنگام نیایش در حضور او قرار می‌گیرد، نه یک موجود انسانی، بلکه وجود فوق محسوس و فراانسانی‌ای است که انسان خودش را متکی به او احساس می‌کند. هایلر در مقدمه نیایش تصریح می‌کند که «نیایش، کار یا کشف و دستاورد انسان نیست، بلکه کار خدا در انسان است.» در عین حال، نیایش شکل‌های روابط اجتماعی انسان‌ها را بازتاب می‌دهد. در کتاب نیایش انواع و جلوه‌های گوناگون دعا و نیایش مورد بررسی قرار گرفته است.

وی با بیان اینکه هایلر تعلق خاطر به مسایل دینی را برای پژوهشگر دین ضروری می‌داند گفت: او در این کتاب نشان می‌دهد که هم بر مبنای پدیدارشناسانه و علمی پیش می‌رود و هم فارغ از همدلی و تجربه‌های مربوط به موضوع تحقیقش نیست. خودش در پیشگفتار چاپ آلمانی کتاب در این باره می‌نویسد پژوهشگر دینی که موضوع پژوهش خود را همچون امری مقدس با احساس ناب دینی و خشوع و تحسین بررسی نمی‌کند، هرگز به سرزمین شگفتی‌های دین گام نخواهد گذاشت. ولی به همان نحو که محقق و روانشناس دین نباید مانند مشاهده‌گری بی‌اعتنا، خارج از حوزه دین به نظاره بنشیند بلکه باید با دین زندگی کند و جهان را با آن حس کند، ضروری است که هنگام پژوهش، با آزادی و استقلال، جایگاه خود را فراتر از ادیان و مذاهب بداند.

وی درباره امتیازی که روش پدیدارشناسانه هایلر به این کتاب داده است، گفت: می‌دانیم که هایلر در کنار چهره‌های صاحب‌نام دیگری مانند رودولف اوتو، میرچا الیاده و گاردوس وان‌درلئو، از تأثیرگذارترین پدیدارشناسان دین به شمار می‌رود. به تعبیر داگلاس آلن، بنابر نظر هایلر روش پدیدارشناسانه، از امور بیرونی به سوی ذات دین حرکت می‌کند که در آن باید از هرگونه فرض پیشینی فلسفی پرهیز کرد و فقط از آن پیش‌فرض‌هایی بهره بُرد که با روش استقرایی یا استنتاجی سازگارند. جمع این ویژگی اساسی با نقش مهمی که همدلی و تجربه دینی شخصی در این پدیدارشناسی بازی می‌کند می‌تواند همان چیزی باشد که می‌توان از آن به عنوان امتیاز کتاب یاد کرد.

توجه خاص هایلر به پیامبر اسلام(ص) در «نیایش»

وی به نظر هایلر درباره نیایش در دین اسلام اشاره کرد و گفت: هایلر در کتابش با احترام از اسلام و مخصوصاً حضرت محمد(ص) یاد می‌کند. در کتاب «نیایش» سخنان متعددی از پیامبر اسلام نقل می‌کند. من در پیشگفتار نیایش، خاطره جالب‌توجهی در این زمینه از او نقل کرده‌ام. هایلر با اشاره به پژوهش‌های محققانی مانند هانس هاس و تور آندره، از ضرورت نگاهی نو و همدلانه به اسلام و خاصه پیامبر اسلام سخن می‌گوید. هایلر به فرهنگ و سنت ایرانی هم توجه داشت. او در «نیایش» از عطار و سعدی و به ویژه مولوی یاد می‌کند. او در کتابش کلمات مولوی را درباره آن نیازمندی که از سویدای جان، خدا را در دعا می‌خواند و گمان می‌کرد پاسخی به او نمی‌رسد به طور مفصل در نیایش نقل می‌کند. تفصیل این مطالب را می‌توان در کتاب نیایش یافت.